

تاریخ وصول: ۸۶/۱/۱۹

تاریخ تأیید: ۸۷/۲/۲۹

منجی باوری در ادیان ابتدایی و ادیان توحیدی

عبدالزهر اجالالی*

تعاریف منجی یا موعود (= مهدویت)

منجی در لغت به معنای نجات دهنده، مصلح اجتماعی، موعود و ... است (دهخدا. علی‌اکبر، لغت‌نامه ج ۱۳، ص ۱۰۹۸۳). و در اصطلاح به شخصی گفته می‌شود که در دوره آخرالزمان و پایان جهان، ظهور کرده و جهان را پراز عدل و داد می‌کند.

از طرفی به کلیه مکتب‌ها و نحله‌های فکری که شاخصه اصلی و محوریت اصولی آن، باور داشتن به ظهور رهاننده و یک منجی آخرالزمانی باشد، مهدویت می‌گویند. در توضیح مهدویت و منجی باوری گفته‌اند که «فرد یا قومی که در وضعیت اسف‌بار گرفتار شده و متحمل رنجها و مصائب می‌شود، چشم به راه ظهور فرد یا گروهی دارد که در اختفا و غیبت به سر برده و در آینده ظهور خواهد کرد و نجات و

چکیده: بی‌گمان، باور و اعتقاد به ظهور یک منجی و مصلح جهانی که سرانجام روزی به اذن خداوند تبارک و تعالی خواهد آمد و جهان را پراز عدل و داد می‌کند، همواره در بیشتر فرهنگ‌های موعود وجود داشته است، که با عناوینی همچون: سوشیانت، مسیح (ماشیح)، مهدی (عج) و غیره، از آن نام برده می‌شود.

مناطق مختلف دنیا نیز اعتقادات و باورهایی در این باره دارند که در این مقاله سعی داریم که تا آنجا که مقدور باشد در پنج قاره متمدن جهان به کشف و شناخت و بررسی ابعاد گوناگون آن منجیان پردازیم و با شناخت و تبیین وجوه اشتراک و افتراق این اسطوره‌ها و نمادهای صلح و عدالت در باورهای گوناگون به یک جمع‌بندی کلی نایل شویم.

کلیدواژه: منجی، مصلح، ظهور، عدالت، پایان جهان، فرهنگ انتظار، آغاز دنیای جدید، اسطوره‌ها، روایات افسانه‌ای و حقیقت.

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، مرکز سوسنگرد.

نشانی اینترنتی: abd_jalali@yahoo.com

آسمانی) یا (منجی اعظم) می‌نامند.

ولی در خصوص صفات کلی و برنامه‌های اصلاحی، تشکیل حکومت واحد جهانی براساس عدالت و آزادی و ظهور او در آخرالزمان اتفاق نظر دارند. باید گفت که تشکیل جامعه‌ای که معیارهای معنوی و انسانی بر آن حاکم باشد، رسیدن به جهانی که در آن ستم مفهومی نداشته باشد و ستمگری و زور و سلطه‌مداری بر مردمان و سرنوشت آنان مسلط نباشند از دیرزمان در ذهن بشر بوده و یا دست کم از نگاه آثار مکتوب که در دست است، از چنین اندیشه‌ای نشان یافت می‌شود "از وقتی که افلاطون، مدینه فاضله را عنوان کرد تا قرن‌ها بعد که این اندیشه به صورت "شهرآرمانی" در آثار نویسندگان و فلاسفه تجلی می‌نماید جلوه‌های گوناگونی از این اندیشه دیده می‌شود تصویری از "شهرآرمانی" در نوشته‌های نویسندگان اروپایی نیز وجود دارد.

مثلاً "شهرمطلوب" «تامس مور»، نویسنده انگلیسی دوران رنسانس (۱۴۷۷-۱۵۳۵م)، جزیره‌ای است با ۲۰۰ میل درازا که در آن ۵۴ شهر، با زبان، راه، روش و نهاد یکسان ساخته شده است، به طوری که وقتی یک شهر را ببینی، گویی همه را دیده‌ای.

شهرها را دیواری بلند و ستبر با برج‌ها و باروها در میان گرفته است. سه پهلوی هر شهر را خندق خشک و پهناور و ژرف با دیوارهای انبوه از بوته‌های خار فرا گرفته است. مدیران شهر، چهار نفر برگزیدگان مردم‌اند که در "سنا" راجع به امور عمومی رایزنی می‌کنند. در بیرون از "سنا" کسی حق رایزنی ندارد، چه بیم آن است که علیه مردم توطئه شود... (برای توضیح بیشتر می‌توان به کتاب "تامس مور" (آرمانشهر) مراجعه کرد) (راشدمحصل، محمدتقی، نجات بخشی درادیان، صص ۱۵، ۱۳).

رهایی انسان‌ها را به ارمغان خواهد آورد. به هر روی، مهدویت با عناوینی همچون مسیحا باوری (موعودباوری messiani)، هزاره-گرایی (millenniamism)، اعتقاد به فرا رسیدن هزاره سلطنت مسیح و اعتقاد به عصر سعادت و futurism (آینده‌گرایی) مطرح می‌شود که هر کدام در یک حوزه مطالعاتی خاص کاربرد بیشتری دارد. (ابراهیم، علی‌رضا، مهدویت در اسلام و دین زرتشت، صص ۱۳).

می‌توان گفت که منجی‌باوری، مشمول مرور زمان و مکان نمی‌شود و به هیچ قوم و ملتی خاص اختصاص ندارد. بنابراین همه افراد طبق فطرت و ذات وجودی خویش، تمایل دارند که روزی فرا برسد که جهان بشری در پرتو ظهور رهبری آسمانی و الهی و با تأیید و عنایت خداوند تبارک و تعالی، از ظلم و جور ظالمان و ستمگران رهایی یافته، و آشوب‌ها و بحران‌ها در جهان پایان پذیرد و آدیان از وضع رقت‌بار موجود رهایی یابند و از ناامنی و نابسامانی و سیه‌روزی خلاص شوند. به همین دلیل، در بیشتر ادیان و مذاهب متعدد جهان، از یک منجی و مصلح، که در آخرالزمان ظهور خواهد کرد و به ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌ها و جنایت‌های ضد انسانی خاتمه خواهد داد و پایه و اساس حکومت عدل جهانی را براساس آزادی و عدالت واقعی بنیان خواهد نهاد، سخن به میان آمده و تمام فرستادگان و پیامبران الهی در این باره به مردم با ایمان جهان، وعده‌هایی داده‌اند. ناگفته نماند که پیروان ادیان و مذاهب گوناگون، درباره نام آن منجی و مصلح غیبی، اختلاف نظر دارند. مسلمانان او را «مهدی» موعود (عج) و پیروان سایر مکاتب و ملت‌های محروم وی را (مصلح جهانی) یا (نجات بخش

دوره‌ای خاص و شرایط اجتماعی و اقتصادی مشخص بستگی دارد، مثلاً آن گاه که انسان نخستین، با گیاه و نبات آشنا می‌شود، نخستین اسطوره‌های او درباره آن تحقیق می‌یابد. در اساطیر، همه چیز خصلتی باورپذیر دارد. شخصیت‌های اسطوره‌ای، معمولاً آدمیزاد نیستند، اما صفات و ویژگی‌های بشری دارند. با این حال، آفرینش آن‌ها غیر طبیعی و خارق‌العاده است. تولد «آتانا» (Athena) «دختر زئوس از سرزئوس» انجام می‌گیرد. در اساطیر ایرانی، «مشی» و «مشیانه» از گیاه ریواس هستی می‌یابند. در *اوستا*، مادر «سوشیانت» (موعودهای) زرتشتی بر اثر آب تنی در دریاچه (کیانسی) - (هامون) آبستن می‌گردند. در جهان اساطیری، زبان و خرق عادت، از اهمیت زیادی برخوردار است. چون کلمات جادویی با همه فعالیت‌های انسانی ابتدایی همراه بوده، الفاظ نیز جنبه جادویی یافتند. به همین جهت انسان درباره قدرت زبان، راه مبالغه در پیش گرفت. جادوی لفظی در میان اعضای قبیله‌ای در آفریقا (کانی کاس cany casse)، چنان توفیقی یافته است که به گمان آنان، ببر وحشی را می‌توان با گفتن کلمه [SHO (شو)] از خود دور کرد و راند. در نگرش اسطوره‌ای، قهرمانان و منجی‌ها، تباری ایزدی دارند (فره ایزدی) در اساطیر یونان، «هرکول» (Hercules) قهرمان اساطیری و مظهر پهلوانی و قدرت، تباری ایزدی دارد.

در اساطیر آشوری «گیلگمش» (Gilgamesh) نیمه ایزد و نیمه انسان است. در برخی فرقه‌های مسیحی، مسیح را دارای دو جنبه انسانی و خدایی می‌دانند. در بینش اسطوره‌ای، پدیده‌های طبیعی، عناصری ذی‌شعورند. کوه، رود، سنگ، درخت و ... ، امکان

اسطوره و «منجی باوری»

به راستی «اسطوره» چیست؟ چه برداشت‌های متفاوتی میتوان از واژه اسطوره داشت؟ و اصولاً چه ارتباطی میان مفهوم «منجی» با «اسطوره» وجود دارد؟ و ... این نمونه سؤالاتی است که در ذهن هر مخاطبی می‌آید. باید گفت که «اسطوره» تعریف واحدی ندارد. برخی از روان‌شناسان معتقدند، رؤیا، اسطوره شخصی و خصوصی خواب بیننده است و اسطوره، رؤیای در بیداری یک جامعه است. «کارل گوستاو یونگ» (karl gustave yong) عقیده دارد که یک نفس مشترک در آدمیزاد هست که در اجتماع همان کاری را می‌کند که ناخودآگاه در فرد آدمی، یعنی در حقیقت، یک «ناخودآگاهی جمعی» وجود دارد که به اشکال گوناگون نمود پیدا می‌کند. «کلود لوی اشتروس»، در مطالعه اساطیر معتقد است که اساطیر در مجموع، یک زبان واقعی جهانی را با تمثیل‌ها و سمبل‌ها بیان می‌کند.

«میرچا الیاده» نیز به تحلیل ساختی و تطبیقی اسطوره از دیدگاه مردم‌شناسی می‌پردازد به زعم وی، «اسطوره»، روایت مقدسی است که در زمان بی‌آغاز، توسط ایزدان و پهلوانان افسانه‌ای رقم خورده است. الیاده، میرچا، چشم اندازهای اسطوره، ترجمه جلال ستاری صص ۱۴ و ۱۵). به نظر زنده‌یاد دکتر «مهرداد بهار»^۱ «منشاء اساطیر، تضاد اجتماعی، است (مثلاً تضاد (ایندره) ایزد بزرگ هندی - که باران‌آور است) که تمام زندگانی‌اش، صرف مبارزه با دیو خشکی و تاریکی است و تضاد اهورا با اهریمن، زئوس (ایزد ایزدان یونانی) با «تیتان‌ها» (Titans) ، در اساطیر پهلوانی هم پهلوان این قوم با قوم دیگر مبارزه می‌کند. تا وقتی که در جامعه تضاد وجود دارد، قهرمان هست و در دوره قهرمانان، افسانه ساخته می‌شود. از طرفی می‌توان گفت که نقل هر اسطوره، به

۱. باقتباس و برداشت آزاد از : بهار، مهرداد، پژوهشی در اساطیر ایران.

درک صحیح و کامل از مفهوم «منجی‌باوری» میسر نخواهد شد.

آخرالزمان یا به تعبیری، پایان جهان زمانی است که طبق روایات مقدس و اساطیری متون مذهبی و دینی، قرار است که یک منجی جهانی ظهور کرده و اراده الهی را محقق سازد. جهان را از عدل و داد پرکرده و ستم و ظلم و بیداد را از بین ببرد. «در یک کلام به طور خلاصه می‌توان گفت که برای مردم بدوی، پایان جهان قبلاً رخ داده است. هر چند که باید در آینده ای کما بیش، دوباره پیش آید. در واقع اساطیر زیر و رو شدن جهان و وقوع طوفان شدید در بسط زمین، بسیار رواج و انتشار دارد. این اساطیر حکایت می‌کند چگونه دنیا ویران و بشر نابود شدن، به استثنای یک جفت یا چند تن که جان به سلامت بردند. اساطیر طوفان، شمارشان بیشتر است و تقریباً در تمام عالم شناخته شده‌اند. درکنار اساطیر مربوط به طوفان، اساطیر دیگر از نابودی بشر بر اثر مصیبت‌هایی به مقیاس عالم: زمین لرزه‌ها، ریزش کوه‌ها، شیوع بیماری و ... حکایت می‌کنند. بی‌گمان این پایان کار جهان، قطعی و نهایی نبوده است، بلکه بیشتر بشریت بوده است که در پی آن بشری نو پدید آمده است، اما غرق شدن کامل زمین در آب‌ها یا ویران شدنش بر اثر آتش سوزی، و به دنبال آن پیدایش زمینی بکر، رجعت به هاویه و تشویش اولی و تکوین عالم را به زبان رمز باز می‌گویند... برخی از اساطیر بدوی آخر زمان و جهان، آگاهی دقیقی درباره باز آفرینی احتمالی جهان، به دست نمی‌دهند. بدین‌گونه، بنا به معتقدات "kai" های گینه نو (جدید) خالق "مالنگ فنگ" (malengfang) پس از خلق عالم و آدم، به منتهی الیه جهان، به افق، رفت و در آنجا عزلت اختیار کرد و خوابید. هر بار که در خواب پهلوی به پهلوی می‌شود، یعنی از پهلویی به

هر نوع کیفیتی را دارند. در اوستا، کوه «البرز» و در متولوژی یونان (اسطوره‌شناسی یونان)، کوه «المپ» جایگاه ایزدان و قهرمانان افسانه‌ای است. در آیین بودایی، درخت مقدس، لب به سخن می‌گشاید. حال اگر (اسطوره) شکل بیرونی زبان و تجلی اندیشه باشد، باید گفت به دلیل آن که آدمی، زیر سایه اساطیر زندگی می‌کند قادر به درک آنی و هم زمانی اسطوره‌ها نیست. مگر آن که اندیشه و زبان همسان و هم‌تراز شوند. بنابراین اگر اساطیر را روایات مقدسی در طول تاریخ بدانیم که گویا در یک زمان ازلی روایت شده و قرار است در پایان جهان نیز به نوعی تکرار شود، به ناچار باید معتقد بود در این راستا این روایت مقدس، قهرمانی دارد. قهرمان اسطوره‌ای و فرابشری که در پایان جهان، می‌آید و فاعل آن روایت قدسی می‌گردد، همان «منجی» یا مصلح جهانی است. حال می‌توان گفت که بدون شک، شخصیت منجی و مصلح جهانی که در آخرالزمان ظهور و جهان را پر از عدل و داد می‌کند، اسطوره‌ای است. او تباری ایزدی و خدایی دارد. اگر او را حضرت مهدی (عج) بنامیم، او از تبار پاک اهورایی و ایزدی نبی اکرم (ص) بوده و با خداوند و جهان غیب و عالم بالا ارتباط دارد، اگر مصلح آخرالزمان، حضرت مسیح می‌باشد او نیز پیامبر خدا بوده است. بنابراین هر دین و آیینی که به «منجی» جهانی معتقد است برای آن منجی، به تولد و زندگانی فرابشری و خارق‌العاده معتقد می‌باشد. پس بدون شک، منجی‌ها و موعودها، از هر حیث، از ویژگی‌های اساطیری و غیر عادی برخوردارند.

آخرالزمان، هزاره‌گرایی و منجی‌باوری

بدون شک، بحث منجی‌باوری، با مباحثی هم چون «آخرالزمان»، «هزاره‌گرایی» ارتباط مستقیمی دارد که بدون پردازش و تبیین این موضوعات، امکان نیل به

درخصوص « فنریر» داده شود: این موجود، گرگی است که بنابر عقیده اسکاندیناوی‌ها در آغاز جهان از این بند رها می‌شود و جهان را درکام خویش می‌کشد.

این موجود نظیری در اساطیر زرتشتی دارد. بنابر باور زرتشتیان، در اولین هزاره نجات‌بخشی جهان که منسوب به «اوشیدر» (Oushida) است. همه انواع اساطیر اسکاندیناوی از گرگ به عنوان موجودی منفی نام برده شده و این موضوع را باید در محیط جغرافیایی زندگی آن‌ها جستجو کرد. مسلماً در سرمای طولانی آن مناطق گرگ‌های گرسنه سرگردان در جنگل‌ها و برف‌ها، بزرگ‌ترین خطر برای مردمان به حساب می‌آیند.

یکی از موجودات مخوف دیگر در اساطیر اسکاندیناوی، ماری می‌باشد که توسط خدای بزرگ، «اودین»، به عمق اقیانوس افکنده شده است. (آفرینش و مرگ در اساطیر صص ۲۲۰-۲۲۱).

آری همان‌طور که گفته شد، قهرمانان و جنگجویانی که در جنگ‌ها کشته می‌شوند، در تالاری بزرگ توسط «اودین» انتخاب می‌شوند و در گرمای مطبوعی به سر می‌برند:

به خاطر کشته‌گان جنگ‌های همه قرون و اعصار که در این تالار گرد آمده‌اند، آن مکان ساختمان عظیمی است.

پانصد و چهل در دارد

به گمانم تالار کشتگان

هشت صد جنگجو در هر لحظه

از هر در می‌گذرند تا با گرگ «فنریر» بجنگند. از نظر جنگجویان، جذاب‌ترین صحنه، زمان انتخاب کشته شدگان در نبرد، توسط «اودین» است. (همان، صص ۲۲۰-۲۲۱).

در اساطیر اسکاندیناوی، یک غول یا ضد خدا به نام

پهلوی دیگر می‌غلطد، زمین می‌لرزد. اما روزی از بستر برخواید خاست و آسمان را ویران خواهد ساخت که به روی زمین فرود خواهد آمد و به زندگانی زندگان پایان خواهد داد. (چشم‌اندازهای اسطوره، همان مأخذ، صص ۶۱-۶۳).

منجی‌باوری در اساطیر اسکاندیناوی و سلتی

می‌دانیم که جهان پس از مرگ، همیشه از بحث انگیزترین مباحث پیش روی بشر بوده است. اسکاندیناوی‌ها نیز مانند اغلب دیگر ملل، در این باره، داستان‌ها و روایاتی دارند «آنان نیز مانند اغلب مردمان دیگر چندان تمایلی برای رسیدن به پایان کار نداشتند و لذا قصه‌های فراوانی دارند که از زندگی پس از مرگ سخن می‌گویند: نوعی زندگی مبهم در نوعی «گورستان_ تپه»، نوعی از زندگی که به مردگان اجازه می‌دهد بار دیگر راه بروند، نوعی زندگی توأم با عیاشی در کوهستان مقدس، و نظایر آن» (پیچ. ر.ری، اسطوره‌های اسکاندیناوی. ترجمه عباس مخبر، ص ۸۱). این وقایع، و تنوع این روایات، گویای آن است که هیچ دیدگاه روشن و منسجمی درباره مرگ ندارند که تمامی اسکاندیناوی‌های کافر کیش به آن اعتقاد داشته باشند. درباره آخرالزمان در تفکرات آنان می‌توان گفت: مردمان اسکاندیناوی قبل از مسیحیت، معتقد به جهانی بودند منحصر به فرد، به نام «والاها» (Walha) این جایگاه خاص جنگجویان بود، جنگجویانی که در جنگ کشته می‌شدند، توسط «اودین» (oudin) (ایزد بزرگ اسکاندیناوی‌ها) انتخاب می‌شدند. او در این تالار بزرگ از قهرمانان پذیرایی می‌کند و آن‌ها را در این تالار نگه می‌دارد تا در پایان جهان، که گرگ (فنریر) (Fenrir)، از بند رها می‌شود به یاری او این گرگ عظیم الجثه را از پای درآورند اما توضیحی لازم است

معنی «مار» می‌باشد در نتیجه، «کوتزال کوتال»، موجودی اسطوره‌ای بوده است که زمین (به صورت مار)، آب و هوا (به صورت پرنده) را در هم آمیخته است...؛ (اساطیر جهان. همان مأخذ، ج ۲، ص ۹۴۵). «کوتزال کوتال»، در طی سفرهایش، پیش از آن که به پایان راه برسد، نهال‌هایی کاشت که الیاف از آنها ساخته می‌شد، تالار رقص بنا کرد، در سرزمین مردگان خانه می‌ساخت و ثابت کرد که حتی سالخورده مردی چون وی هم آنقدر نیرو و توان جسمانی دارد که می‌تواند سنگ‌ها را با انگشت کوچکش جابجا کند، در حالی که هیچ مرد دیگری نمی‌تواند چنین کند سرانجام کوتزال کوتال به ساحل دریای شرقی رسید و چون ردای ساخته شده از پرش را بردوش گذاشت و نقاب لاک پشت را هم بر چهره بست، از شادی گریست. آنگاه بر کلکی بافته شده از ماران نشست و به سوی خورشید راهی شد که تازه سیر و سفر با مدادی‌اش را آغاز کرده بود و در پهنه آسمان می‌رفت. بعضی از تماشاچیان، صدای «کوتزال کوتال» را شنیدند که می‌گفت: سرانجام روزی به سرزمین خودم نزد ملتم باز می‌گردم». (اساطیر جهان، همان، ج ۲، صص ۹۵۳-۹۵۴).

منجی‌باوری در اساطیر آفریقا

«گروهی از مصریان که در حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد، در شهر «مفیس» (Memphis) زندگی می‌کردند، معتقد بودند که سلطانی در آخرالزمان با نیروی غیبی بر جهان مسلط می‌شود، اختلاف طبقاتی را از بین می‌برد و مردم را به آرامش و آسایش

۲. با اقتباس و برداشت آزاد استفاده از: رضایی مهدی، آفرینش و مرگ در اساطیر.

«لوکی» (Looki) وجود دارد که در آغاز جهان توسط خدایان به بند کشیده شده است و در پایان جهان بندها را می‌برد و به نبرد با خدایان برمی‌خیزد، در عقاید اسکاندیناوی‌ها همیشه خدایان پیروز نیستند مثلاً «فریا» (Feria) به نبرد سورت (Soort) می‌رود که چون خوب مسلح نیست از ابر برخاک می‌افتد، «تور» (Toor) با «یورمون گاند» (Yormongond)، مار غول‌پیکر جهانی، نبرد می‌کند که زهرمار او را از پای درمی‌آورد و «اودین»، خدای بزرگ طعمه‌گرگ «فَنریر» می‌شود در اساطیر این ملت، سخن از زمستان طولانی در میان است که به خاطر طولانی بودن آن زمستان‌ها، عده بی‌شماری از مردمان هلاک می‌شوند در این هنگام است که قهرمانانی که به عنوان ذخیره ایزدان برای چنین روزی نگهداری شده‌اند، به یاری آنان می‌آیند.

منجی‌باوری در اساطیر بومیان آمریکا

راجع اقوام بومی قاره آمریکا؛ می‌توان از اقوام مایاها (Maya)، آزتک‌ها (Aztec)، اینکاها (Inca)، ناواجو (Navajo) و ... نام برد که اسطوره‌های جالبی در خصوص آفرینش و پایان جهان دارند. در این میان، اسطوره «کوتزال کوتال» (Kotzal cotal) یکی از زیباترین این روایات می‌باشد.

«اقوام بومی آمریکای مرکزی معتقدند که: کوتزال کوتال، نجات بخش جهان، پس از بروز حوادثی در جهان، پیروز خواهد شد».^۲

اما در خصوص واژه «کوتزال کوتال» سخنان بسیاری هست. «کوتزال»، پرنده پیر و بال سبز و کم‌یابی است که در سرزمین «مایا»، به ویژه در «گواتمالا» (Guatemala)، دیده می‌شود.

کو (CO) یعنی «آب» و «کوتال» (COATL) به

پایان جهان و علائم آن چگونه است. آیا ظهور منجی و مصلح همانند آن چه در ایران باستان وجود دارد، وجود داشته یا نه؟ زیرا آن چنان که تاریخ می گوید، دو ملت هند و ایران تحت عنوان (هندو ایرانیان) (Indo-Iranian) در گذشته‌های بسیار دور، اساطیر و باورهای مشترکی داشتند.

در سرزمین هند، از دیرزمانی براین عقیده بودند که در آخر الزمان، (ویشنو)^۴ (Vishnu) ظهور می کند و بر اسب سفیدی سوار می شود و شمشیر آتشین بر دست گرفته و مخالفان را خواهد کشت. داریوش شایگان «ویشنو» را یکی از خدایان «ریگ ودا» می داند که از خصائص مهمش این بوده که می توانسته با برداشتن سه گام تمام عالم را بپیماید. (شایگان، داریوش، ادیان و مکتب‌های فلسفی هند ج اول ص ۲۶۱).

درباره پایان جهان باورهای مردم سرزمین هند می توان گفت که با علائم و نشانه‌هایی است: «به احتمال قوی، آموزه ویرانی جهان (پرالایا)، (pralaya)، در همان دورانی که سرودهای (وداها)، (Veda) پدید آمدند، شناخته شده بود اغتشاش عظیم

۳. با اقتباس و برداشت آزاد استفاده از: رضایی مهدی، آفرینش و مرگ در اساطیر.

۴. «ویشنو (Vishnu). خدای محافظ کل است. وی منشأ خیرات و مظهر کامل مهر و محبت و لطف می باشد و او از فراز آسمان، مراقب اعمال مخلوقات است و هر جا ملاحظه کند که شئی عزیز در خطر و یا نفسی شریف در مهلکه است، وی قوه و نیروی خود را به کار می برد تا او را یاری نماید. برای «ویشنو» ده «تجلی» قائل شده‌اند. آخرین مرتبه تجلی و ظهور او به صورت «بودا» می باشد که شارع و بانی شریعت بودایی در جهان می باشد. او مانند مسیح (ع) برای نجات عالم می آید و شمشیری از شعله آتش در دست دارد و بر پشت اسبی سفید سوار است و می آید تا حق را برقرار و باطل را محو سازد [بایرناس. جان، تاریخ جامع ادیان. ترجمه علی اصغر حکمت. ص ۲۸۱-۲۸۳].

می‌رساند.^۳ تمدن در مصر در سال‌های بین ۴۰۰۰ تا ۳۰۰۰ پیش از میلاد مسیح نضج گرفت.

سالیان بین ۳۵۰۰ تا ۲۵۰۰ پیش از میلاد، «سالیان طلایی» بود و مصر در خلال این سال‌ها از نظر سیاسی، اقتصادی، و هنری شکوفا شد.

حدود سال ۳۰۰۰ پیش از میلاد مسیح (ع)، مصر علیا و مصر سفلی (= بالا و پایین)، با هم متحد شدند و برای اولین بار به صورت ملتی بزرگ و یک پارچه درآمدند. در همین ایام بود که خط تصویری «هیروگلیف» را به وجود آوردند که به وسیله آن توانستند میراثی مکتوب از روزگاران کهن را به یادگار بگذارند.

در سال ۲۵۰۰ قبل از میلاد، رع (=ره) (Ra) خدای خورشید، خدای اصلی و بزرگ به شمار می آمد و اعتقاد به «اوزیریس»، (Osiris) خدای زندگی، مرگ و رستاخیز، گسترش یافت و از اهمیتی قابل توجه بر خوردار شد. اهرام نیز در همین دوران بنا شدند و نوشته‌ها یا «متون اهرام» حاوی عقاید و افکار مذهبی مهمی بودند. اندیشه‌ها و معتقدات مذهبی بر دانش، هنر، ادبیات، اقتصاد و ... مصریان چیره شده بود. آنان از همان ادوار نخستین به جنبه ملکوتی و روحانی انسان معتقد بودند و حتی این اعتقاد نیز در آن‌ها راسخ بود که وقتی انسان می میرد و زندگی اش در این دنیا پایان می یابد، زندگی دیگری را در آن دنیا آغاز می کند. آرامگاه‌های بزرگ اهرام گونه فراعنه و پادشاهان و ملکه‌های مصری که تا امروز باقی مانده‌اند، گواهی بر اعتقاد مصریان به زندگی بعد از مرگ در دنیای دیگر است. (اساطیر جهان. همان مأخذ، صص ۳۱۳-۳۱۴).

منجی باوری در سرزمین هند

در سرزمین هند کهن، میان برهمنان و برهمایان،

جلال ستاری صص ۶۸ و ۶۹).

منجی باوری در اساطیر چین و ژاپن

به نظر می‌رسد و به زعم اکثر محققانی که آشنایی به اساطیر چینی دارند مانند: میرچالیاده و دونارونبزرگ، اسطوره‌های چین، به گونه‌ای که امروز در دسترس ماست، به اندازه اسطوره‌های دیگر ملل و فرهنگ‌های قدیمی، کهن و قابل اعتماد نیست، علت آن است که در ۲۱۳ پیش از میلاد، نخستین امپراتور چین، تمامی کتاب‌ها به جز پزشکی و کشاورزی و پیش‌گویی را سوزانید و از میان بُرد. دردوران فرمانروایی خاندان (هان) (Han) از ۲۰۶ پیش از میلاد تا ۲۲۰ میلادی، فرمانروایان چین، تعالیم کنفوسیوس (Confucius) را به صورت دین رسمی حاکم بر کشور درآورده و مذاهبی را که متضمن پرستش طبیعت بود، ممنوع کردند. در این دوران، برخی از اسطوره‌های قدیمی که هنوز به گونه شفاهی رایج بود، بار دیگر به صورت مکتوب درآمد، لیکن دانشمندان دربارخاندان «هان» آن‌ها را به گونه‌ای درآوردند که منعکس کننده برداشت‌ها و اوضاع سیاسی و دینی عصر خود آن‌ها باشد. برخی از چینی‌ها معتقد بودند که «(کِرشنا» (Kirshna)، ظهور کرده، جهان را نجات می‌دهد))^۵. در اساطیر آنان از شخصی به نام (یی) (Yi) کمانگیر نام برده می‌شود، که نجات دهنده عالم و آدمیان از بدبختی و زوال و نابودی و ... است:

«سال‌ها پیش در جوانی عالم، به جای یک خورشید، ده خورشید در آسمان بود. مادر این ده خورشید، همسر «دی جون» (Di Jon) (ایزد شرق) بود. او ده کودک خود را در برکه‌ای از آب داغ در دره «تانگ» (Tang)، واقع در دورترین نقطه شرق جهان

و زیر و رو شدن عالم (رانگ روک)، (rangarok) به دنبالش خلقتی جدید، جزء اساطیر ژرمنی است. چنین می‌نماید که این واقعیات نشان می‌دهند که (هند و اروپائیان)، (Indo-European) از اسطوره پایان دنیا، بی‌خبر نبوده‌اند.

در براهماناها (نام‌های چهار یوگا) = (Brahmanas) و خاصه در (پوراناها) (puranas)، هندیان، اصول عقاید چهار یوگا، چهار عصر یا دوره عالم را مجذانه و با اهتمام تمام، بسط داده‌اند. اساس این نظریه، تکوین و ویرانی دوره به دوره دنیا و اعتقاد به «کمال روز ازل» است. نظر به این که بودایی‌ها و پیروان کیش (جین) (jaina) نیز همین معتقدات را دارند، می‌توان نتیجه گرفت که آموزه آفرینش و ویرانی جاودانی عالم، نظری به تمام و کمال (هندی)، متعلق به سراسر هند بزرگ (پان هندی) است. حال تنها یاد آوری می‌کنیم که (دوره کامل) با انحلال وانقراضی (pralaya) که به نحوی قاطعانه‌تر، (مهاپرلایا) (mahapralaya) = «انحلال بزرگ» در پایان دومین هزاره تکرار می‌شود، پایان می‌گیرد. به موجب (مهابهاراته) (Mahabha) و (پوراناها) (Puranaha)، افق بر افروخته و آتشین خواهد شد، هفت یا دوازده خورشید، در آسمان پدیدار خواهند شد و دریاها را خشک خواهند کرد و زمین را خواهند سوخت و آتش (سم واوتاکا = (samvavtaka) «آتش حریق کیهانی» همه عالم را از بین خواهد برد. سپس بارانی سیل‌آسا، بی‌وقفه به مدت دوازده سال خواهد بارید، و زمین غرق خواهد شد (در آب فرو خواهد رفت) و بشریت نابود خواهد گشت، اما در میان اقیانوس، (ویشنو)، نشسته بر مار کیهانی (سشا) (cesha)، خوابیده است، غرق در خواب یوگایی و سپس همه چیز از نو آغاز خواهد شد.» (الیاده . میرچا، چشم اندازه‌های اسطوره، ترجمه

۵. اقتباس و برداشت آزاد از: رضایی، مهدی، آفرینش و مرگ در اساطیر.

وجوی غذا به سرزمین‌های خشک هجوم آوردند. بسا آدمیان و جانورانی که از تشنگی مُردند. باغ‌ها و محصولات کشاورزی خشکیدند و ذخیره غذای آدمیان و جانوران اهلی به تندی پایان یافت. برخی آدمیان که سر پناه و خانه خود را ترک گفته بودند، از غایت گرما، آتش گرفتند و سوختند و مُردند.

برخی دیگر از آن‌ها، از آن رو که دیگر غذایی نمانده بود، خوراک جانوران وحشی گردیدند. امپراتور بی درنگ از تنها کسی که می دانست می تواند عالم را نجات ببخشد، یاری خواست. این شخص، تیراندازی بزرگ به نام «یی» (Yi) بود. این تیرانداز، از شهبانوی شرق، اکسیر حیات گرفته بود و پیش از آن که زنش به ما بقی آن دستبرد زند، بخشی از آن را نوشیده بود. امپراتور از تیرانداز خواست که ۹ خورشید از ۱۰ خورشید را با تیرها و کمان خویش نشانه گیرد و عالم را از تباهی نجات بخشد. نشانه گیری او دقیق بود و تیرها را به جانب خورشیدها انداخت و همه به هدف خوردند ۹ خورشید نتوانستند از دم تیرهای تیرانداز، جان به در برند و یک به یک مُردند. پرهایشان به زمین ریخت و گرمایشان از دست رفت. زمین تیره و تیره تر شد تا سرانجام تنها به اندازه پرتوی یک خورشید، روشنایی آن باقی ماند. مردم، همه جا به آسمان خیره شدند و شادی کردند. اینک می توانستند در صلح و آرامش، همه چیز را دوباره آغاز کنند (اسطوره‌های خاور دور، همان، صص ۱۰۹-۱۱۱).

منجی باوری در دین زرتشتی

موعود، منجی، (نجات دهنده)، در باورهای زرتشتی در کل به فردی به نام سوشیانت^۱ گفته می شود و در

شست و شو داد. آن گاه این ده خورشید که مغز هر کدام از آن‌ها پرنده‌ای بود، به مانند پرندگان بر فراز درخت توت عظیمی استراحت می کردند. از این خورشیدها، نه خورشید بر شاخه‌های پایینی درخت می نشستند، اما یکی از این خورشیدها که هر شب به شکلی بود بر شاخه‌های بالایی درخت می نشست.

هنگامی که سپیده دمان در پرتو صبحگاهی فرا می رسید، خورشید که بر شاخه‌های بالایی درخت می نشست، سوار بر ارابه‌اش در آسمان پرتوافشانی می کرد. گاه این ارابه را اسبان و گاه ازدهایان می کشیدند. هر هفته، ده روز داشت و هر روز از هفته را یکی از این خورشیدها بر آسمان پدیدار می گشت. از آن جا که خورشیدها همه به مانند هم بودند و هر روز تنها یکی از آن‌ها بر فراز آسمان پدیدار می گشت، مردمی که به روی زمین زندگی می کردند، نمی دانستند که بیش از یک خورشید وجود دارد. در آن هنگام آدمیان و جانوران به مانند همسایگان و دوستان کنار هم زندگی می کردند. حیوانات، فرزندان خود را در لانه رها می کردند. کشاورزان، محصولات خود را به صورت، خرمن انبوه کرده بودند، در کشتزارها رها می کردند از آن، هراسناک نبودند که جانوران بدان‌ها دستبرد زنند. آدمی اگر بنا به اتفاق پای بر سرماری می گذاشت، مار او را نمی گزید

یک روز، خورشیدها اندیشیدند که مایه سرخوشی و مزاح خواهند بود که روزی همه همراه هم در آسمان پدیدار گردند. بدین گونه با فرارسیدن سپیده دمان، هر ده خورشید در ارابه نشستند و بر فراز آسمان تابیدن گرفتند، گرمای آتشین خورشیدها، زمین را سوزانید. جنگل‌ها آتش گرفتند و خاکستر شدند و بسیاری از جانوران مُردند. رودخانه‌ها و دریاها خشکیدند. ماهی‌ها مُردند و حیوانات عظیم‌الجثه آبی به جست

6. Soshiant.

۹۰) براساس نوشته‌های محققان زرتشتی، دو موعود قبلی (اوشیدر، اوشیدرماه) در همین محل ولادت یافته‌اند «درمتون پهلوی، محلی به نام «خونیره» یا «خونیرس» (khonires) به عنوان زادگاه سوشیانس معرفی شده که ظاهراً یکی از هفت کشور، در تقسیمات ایران باستان است.» (یاحقی، محمدجعفر، همان، ص ۴۴۴) دکتر یاحقی درباره دریاچه «کیانسه» می‌گوید: «دریاچه هامون، دریاچه مقدسی است در سیستان، که «کیانسه» (Kyansih) نامیده می‌شود. کنار این آب، محل ظهور موعودهای زرتشتی شمرده شد: از بطن دختران باکره‌ای موعودها به وجود می‌آیند که در آب این دریاچه آبتنی کرده‌اند و به نطفه زرتشت که شناور بود باردار می‌شوند.» (یاحقی، محمدجعفر، همان، ص ۴۴۴). نباید از یاد برد که همزمان با ظهور سوشیانس، یاران جاویدان او که به «جاودانان» معروفند نیز، درواپسین روز، برخوانند خواست و موعود را یاری می‌رسانند.

«کیخسرو، گیو، گودرز، پشوتن و گرشاسب، که همه جزء جاودانان هستند، روز واپسین برخوانند خاست و سوشیانس را در کار نوسازی جهان یاری خواهند کرد و از پرتو فر ایزدی که با آنان است، دروغ رخت بر بسته، زندگی جاودانی و معنوی آغاز خواهد شد. انسان‌ها پس از برانگیخته شدن و پاک شدن از گناه و پلیدی، فنا ناپذیر خواهند شد. سوشیانس برای این کار گاوی قربانی می‌کند و از چربی او، عصاره «هوم» (= هوم / سوم) را به دست می‌آورد و با چشاندن آن به مردم، آنان را جاودانی می‌نماید. پیران به سن ۴۰ سالگی و کودکان به هیئت و شکل پانزده

معنای جزئی، منجی‌های چندی را علاوه بر نام خود سوشیانس «اوشیدر»^۷ اوشیدرماه^۸ و ... در بر می‌گیرد. دکتر یاحقی در فرهنگ اساطیر می‌گوید: «...سوشیانس یا سیوشیانس (موعود نجات دهنده یا سود رساننده)، موعود کلی زرتشتیان از تخمه زرتشت که در آغاز رستاخیز متولد می‌شود و مردگان را آماده حیات ابدی‌ای که سراسر روشنی و پاکی است، می‌کند. در آیین مزدیسنا (= زرتشتی / زردشتی)، سه «سوشیانس» هست که هر یک به فاصله هزار سال، ظهور می‌کنند. - هر وقت سوشیانس به صورت مفرد می‌آید، مراد، آخرین موعود است - و هر سه از پشت زرتشت هستند. ۹۹/۹۹۹ فرَوهر نیک و توانای پارسیان، نطفه زرتشت را در دریاچه هامون^۹ پاسبانی می‌کند، زیرا نطفه زرتشت به فرشته آب (ناهِید)^{۱۰} سپرده شده است. در آغاز هزاره یازدهم، دوشیزه‌ای در آب هامون به نطفه «اوشیدر» آبتن می‌شود و علامت ظهور او توقف خورشید به مدت ده شبانه روز در وسط آسمان و نورپاشی، بر هفت کشور است. در آغاز هزاره دوازدهم، دوشیزه دیگری تن خود را در دریاچه شسته و به هوشیدر آبتن می‌شود. علامت ظهور او توقف بیست روزه خورشید در وسط آسمان است. در آخر هزاره دوازده به همان ترتیب «سوشیانس» آخرین آفریده اهورامزدا، به جهان می‌آید. در سن ۳۰ سالگی، امانت رسالت مزدیسنا به وی واگذار می‌شود و با ظهور او، اهریمن، نیست و نابود می‌گردد (یاحقی، محمدجعفر، فرهنگ اساطیر، ص ۲۶۰). در آیین زرتشتی، نوید ۳ موعود داده می‌شود که در آخرالزمان ظهور می‌کنند. درباره ولادت موعودهای زرتشتی می‌توان گفت که: «محل تولد سوشیانس» دریای «کیانسه» (kyancieh) می‌باشد. که منظور همان دریاچه هامون در شرق ایران باستان است.» (راشد محصل، محمدتقی، گزیده‌های زاد اسپرم، ص

7. oshidar.

8. oshidarmah.

9. Hamun در شرق ایران

10. Nahid.

سال اول، تمام آفریدگان به صورت مینویی بودند و شکل مادی نگرفته بودند سه هزار سال دوم آن‌ها، صورت مادی گرفتند. سه هزار سال سوم که دوران ما است عصر آمیختگی مظاهر اهریمنی و مزدایی است و در آغاز هر هزاره از سه هزاره آخر، یکی از مُنجیان زرتشتی ظهور می‌کنند و با پایان این دوازده هزار سال، عمر اهریمن و بدی به پایان می‌رسد و تمام انسان‌ها در یک جهان آرمانی زندگی خواهند کرد. در مورد حوادث آخرالزمان گفته‌اند: دیوان خشم تبار ژولیده مو به ایران می‌تازند که حاصل آن، نابودی کامل زندگی منظم این سرزمین است.

زندگی خانوادگی و اجتماعی، پریشان می‌شود و بزرگداشت راستی و عشق و دین بهی کاهش می‌یابد. آشفتگی کیهانی نیز به وجود می‌آید: خورشید و ماه، نور خود را به کمال نمی‌افشانند. تاریکی و تیرگی، زمین‌لرزه، خشکسالی و قحطی در زمین به وجود می‌آید. در زمین جنگ‌ها در می‌گیرد این حمله شرّ، قرینه یورش او در آغاز تاریخ جهان است. سرانجام بارش ستارگان در آسمان پیدا می‌شود که نشانه تولد شاهزاده پارسی است که بر لشکر شر پیروز می‌شود و سرزمین‌های ایرانی و تحت دین زرتشتی را، پیش از تولد نخستین مُنجی باز می‌آراید.

مُنجیان، در دین زرتشتی

اولین مُنجی «اوشیدر» (= هوشیدر) است که از دوشیزه‌ای باکره‌زاده می‌شود. او از نطفه زرتشت که در دریاچه «کیانسه» (بختگان) نگهداری می‌شود، آبستن می‌گردد. وقتی این منجی به ۳۰ سالگی می‌رسد، خورشید، ده روز، یکسره در میان آسمان در هنگام ظهر می‌ایستد در همان جایی که پیش از حمله اهریمن قرار داشت، با آمدن او وضعی همانند وضع بهشت به جهان باز می‌گردد. به مدت سه سال

سالگان برمی‌گردند و سرانجام، اهریمن شکست می‌خورد و سُرور و خوشی به جهان هدیه می‌شود.» (یاحقی، محمدجعفر، فرهنگ اساطیر، ص ۲۶۰).

نگاهی به اندیشه رستاخیز درباره ایران باستان

اندیشه رستاخیز و چیرگی بر مرگ و تجدید حیات، از مسائلی است که در همه ادیان و تمدن‌ها هست. «در فلسفه ایران باستان، جهان عبارت است از مقابله خیر و شرّ و هنگامی که یکی از این دو نیرو خنثی شود و زندگی مادی به پایان می‌رسد، که آن روز رستاخیز است. در ادبیات پهلوی، واژه «فراشکرت» (Frash kart) به معنای قیامت و عبارت است از روزی که جهان از پرتو «سوشیانت» که دارای فر ایزدی است، نو خواهد شد. در اعتقاد ایرانیان کهن، زرتشت در سه هزاره اخیر عمر جهان پدید آمد و سوشیانت آخرین فرد خاندان اوست که دور جهان مادی را به پایان می‌رساند و بدی را نابود می‌کند. آن گاه در یک نیم روز، زمین و هرچه در آن هست، نابود می‌شود و داستان زندگی این جهان به سر می‌رسد. در رستاخیز، مردمان همه قرون و اعصار، با همین تن خاکی خود، در دادگاه «اهورا مزدا» حضور می‌یابند. همه از نیک و بد، از خاک برخوردارند خاست. بجز افراسیاب یا کسانی که خوی دیوان داشته‌اند و در سرنوشت اهریمن مستحیل گشته‌اند.» (فره وشی، بهرام، جهان فروری، ص ۱۲۸).

نباید فراموش کرد که اعتقاد به معاد در باورهای ایرانیان باستان، پاسخی به وضعیّت نابسامان فعلی جهان است که به خاطر تازش اهریمن به جهان آفریده اهورا مزدا، به وجود آمده است. «در این دین به یک دوره دوازده هزارساله برای عمر جهان قائل‌اند که شامل ۴ مرحله ۳ هزارساله می‌باشد. در سه هزار

می‌شوند.

در مذهب مانی نیز به رستاخیز و معاد اهمیت زیادی داده شده است. آنان معتقدند که در روز رستاخیز، عیسیای نورانی چون داوری دادگر ظهور می‌کند. دو فرشته که یکی حامل زمین و دیگری حامل آسمان است، بار خود را می‌افکنند و تشویش و هرج و مرجی در ارکان عالم پدید می‌آید که ۱۴۶۸ سال دوام می‌یابد. سپس سدی میان دو عالم نور و ظلمت کشیده می‌شود و عالم نور برای همیشه در آرامش و صلح خواهد ماند. (آفرینش و مرگ در اساطیر، همان، ص ۲۸۹).

دکتر مقدم درباره «ناجی بودن ایزدمهر» می‌گوید: «مهر هم چون میانجی میان خداوند و مردمان رهاننده یا رستگار کننده آنان است و از این رو صفت و لقب برجسته سوشیانت است. مهر هم رهاننده است و هم بخشنده گناهان و لقب داور آفرینش را نیز دارا می‌باشد.» (مقدم، محمد، جستار درباره مهر و ناهید، ص ۷۲).

مُنَجی باوری در دین یهود

نجات‌دهنده کیست؟!

امیدواری به مبانی نورانی و جدید که در آن، انسان‌ها به کامیابی رسیده باشند و از گناهان نیز پاک شده باشند، و سایر آمال و تمایلات روان شناختانه آدمی، ایمان به موعود و نجات‌دهنده‌ای را که این آرزوها را برطرف سازد، در کتاب تورات آشکارا دیده می‌شود. نجات‌دهنده واقعی خدای دانا و قادر بر همه چیز می‌باشد که به بندگان خود نیروی نجات روحانی می‌بخشد:

«زیرا من یهوه، خدای تو و قدوس اسرائیل، نجات دهنده تو هستم.» (کتاب مقدس، کتاب اشعای نبی، باب ۴۳، آیه ۳). باید گفت: «که هرچند نجات دهنده واقعی خداست و بس، اما آنان که او برکشد و به

مردمان با هماهنگی بیشتر و به دور از آفریدگان بد، زندگی می‌کنند و بخشی از آفریدگان اهریمن، یعنی نوع گرگ نابود می‌شود. به این صورت که انواع گرگ به صورت یک گرگ بزرگ در می‌آید و توسط مردم از بین می‌روند. با این حال بدی هنوز هست و بار دیگر اظهار وجود خواهند کرد. شر، به صورت زمستان هراس‌انگیزی با جادوگری دیوی به نام «ملکوس» ظاهر می‌گردد. برف و تگرگ بخش اعظم نوع بشر را از میان خواهد برد با این وجود، پیش از رسیدن دومین منجی، خیر دوباره پیروز خواهد شد، زیرا مردمان از «وری» که (= نام شهری مینویی / ورجمکرد) جمشید ساخته است بیرون خواهند آمد و زمین، دوباره از آنان پُر خواهد شد. (آفرینش و مرگ در اساطیر، همان، صص ۲۸۴ - ۲۸۶).

نگاهی به عقاید مهرپرستان و مانویان درباره موعودباوری

«در کیش میتراپیزم، اسطوره شام آخر وجود دارد؛ میترا پس از صرف شام مقدس با پیروان خود به آسمان صعود می‌کند. او به هنگام رستاخیز به عنوان یک ناجی یا موعود (= سوشیانت) به زمین باز خواهد گشت. درکیش مانی نیز میترا نجات بخش جهان در رستاخیز پیش از اشتعال جهان معرفی شده است. میترا در آسمان هادی ارواح مؤمنان است.» (اصل و نسب و دین‌های ایرانیان باستان، همان، صص ۹۱-۹۲)

«میترا پرستان معتقدند هنگامی که جهان به پایان رسد، جسم نیز در سعادت ابدی سهیم است به همان گونه که روح از آن بهره می‌برد به عقیده آنان پس از آن که زمان، دور خود را طی کرد مه، همه مردگان را برمی‌انگیزد، نیکان را بی‌مرگ و جاودان می‌کند، اما بدکاران به همراه اهریمن در آتش نابود

صص ۱۱۵ و ۱۱۴). یک نکته این که درباره مسیحا {ماشیح} در یکی از تاریخ شفاهی یهود یا «تلمود» آمده است، «تصور تلمود پیرامون شخص مسیحا این است: او یک انسان است که نهالی از خاندان سلطنتی داوود است و قداست او تنها به سبب موهبت‌های طبیعی وی خواهد بود. امت‌های مشرک به دست او نابود خواهند شد و بنی اسرائیل قدرت جهانی خواهند یافت.» (کریستون، جولوس، انتظار مسیحا در آیین یهود، ترجمه حسین توفیقی، ص ۶۵).

نکته دیگری که ذکر آن لازم است این است که: ترکیب «مسیح یهودی» میان دانشمندان و فلاسفه یهودی باب شده است درباره تبار او می‌گوید: «یسوع مسیح» از تباری یهودی در شهر ناصره به دنیا آمده (متی) شجره‌نامه تبار مسیح را در سرلوحه انجیلش قرار می‌دهد و این شجره‌ای است که ۱۴ نسل را در برمی‌گیرد، از ابراهیم (ع) تا داوود (ع) و ۱۴ نسل از داوود تا تبعید در بابل و ۱۴ نسل از تبعید تا مسیح (ع). اما «لوقا» سلاله مسیح را تا قبل از ابراهیم (ع) یعنی تا آدم (ع) ادامه و سپس اطلاعاتی از نیاکان ابراهیم تا آدم ارائه می‌دهد که ۱۹ نام از این نام‌ها در عهد قدیم و در سفر «تکوین» ذکر شده است. انجیل‌ها {همان متی و لوقای مذکور} به ما خبر می‌دهند: یسوع ناصری به «هیكل» {معبد یهودیان را گویند} می‌رفت و بخش بزرگی از شریعت و آموزه‌های پیامبران یهود را حفظ کرد و در تعالیم و آموزه‌های خویش از آن‌ها بهره برد. غسل تعمید «یسوع» در «رود اردن» و به دست «یوحنا تعمیدگر» انجام شد تا مرحله سکوت را در ناصره در هم بشکند. یسوع خود می‌گوید که آموزه‌هایش تکمیل کننده تعالیم موسی (ع) است. وی {یسوع} وصایای ده‌گانه را همان‌گونه که در تورات ذکر شده بود گرفت، اما به آن‌ها معنایی روحانی و معنوی بخشید که بر روح و

درجه‌ای از نیرو و قدرت برساند که کامیابی و نجات قومشان را سبب شوند، نیز نجات دهنده‌اند مانند یوشع بن نون.» (راشد محصل، محمد تقی، نجات بخشی در ادیان، ص ۱۱۴). نجات دهنده کیست؟ «نجات دهنده پایانی، بر مبنای معتقدات یهودیان، مسیح (= ما شیخ) است که جهان درخشان و با شکوه آینده را می‌سازد و اعتقاد بیشتر دانشمندان یهود بر این است که ظهور مسیح و فعالیت او برای بهبود وضع جهان و تأمین خواسته‌ها و نیازهای مردمان بخشی از نقشه‌های خداوند در آغاز آفرینش بوده است و لزوم وجود نجات‌بخشی که کسی جز مسیح نیست پیش از آفرینش کائنات به ذهن خداوند خطور کرده است. مسیح به اعتقاد مسیحیان نیز آخرین نجات‌بخش است و در مورد آفرینش او به چنین اندیشه‌ای برخورد می‌کنیم آن جا که عیسی با یهودیان گفتگو می‌کند ظاهراً به وجود خویش در آغاز آفرینش اشاره می‌کند. یهودیان بدو (= عیسی) گفتند: هنوز پنجاه سال نداری و ابراهیم را دیده‌ای؟ عیسی به ایشان گفت: آمین، آمین به شما می‌گویم که پیش از آن که ابراهیم پیدا شود من هستم. (یوحنا / باب ۸ / آیات ۵۶ - ۵۷) به اعتقاد همه یهودیان، نجات‌دهنده انسانی است همانند دیگران اما برخوردار از جلوه و جبروت خدایی است و جهان را با نور خویش، که جلوه‌ای از نور خداست، روشن خواهد کرد:

«و بار دیگر آفتاب در روز نور تو نخواهد بود و ماه با درخشندگی برای تو نخواهد تابید زیرا که یهوه نور جاودانی تو و خدایت زیبایی تو خواهد بود (اشعیا / باب ۶۰ / آیه ۱۹)» برخی این «ماشیح» یعنی نجات‌دهنده آخرین را همان داوود می‌شمارند: ... و بعد از آن بنی اسرائیل بازگشت نموده یهوه خدای خویش و پادشاه خود «داوود» را خواهند طلبید (هوشع / باب ۳ / آیه ۵).» (نجات بخشی در ادیان، همان،

شواهد قلیلی وجود دارد برایین که در داخل متون دین یهود، ایده یک آینده پرشکوه مادی در قالب امید به یک نظم اجتماعی ایده‌آل و جهانی صورت معنوی به خود گرفته است، اما تأکید و برجسته کردن این ایده‌های بزرگ در دین دیگری که همانا مسیحیت باشد به منصفه ظهور رسیده است. در طول تاریخ دین یهود از زمان آغاز مسیحیت حداقل ۳۴ نفر از یهودیان بوده‌اند که به عنوان مسیح موعود سربرافراشته‌اند، که آخرین این افراد که غالباً هم انگیزه‌های سیاسی داشته‌اند «موسی حیم لوزاتو» { Mosas Hayyim Luzatto } (متوفای ۱۷۴۷ میلادی) می‌باشد. حضرت عیسی (ع) که از یک پدر و مادر یهودی متولد شد، اظهار و ادعا نموده و دیگران هم تصدیق کرده‌اند که بهترین مصداق و نمونه تفصیلات روحانی تفکر مسیح‌گرایی در دین یهود است. (ادیان زنده جهان، رابرت هیوم، صص ۲۵۸-۲۵۶).

نباید از یاد بُرد که انتظار مسیح (ع) نه تنها در بُن مایه‌های فکری مسیحیت وجود دارد بلکه در انگاره‌های ذهنی یهودیان نیز وجود داشته است. این که یهودیان این ایده را از کدام تمدن اخذ نمودند خود بحث مبسوط دیگری است، اما بدون شک مسیحیت در این باره وام‌دار تفکر یهودیان است. «جان ناس» در کتاب «تاریخ جامع ادیان» درباره ایده انتظار ظهور مسیحا می‌نویسد: «از روزی که رومیان، قدم به خاک یهودیه نهادند تا زمانی که شهر اورشلیم را در سال ۷۰ میلادی ویران ساختند. انتظار ظهور مسیحا روز به روز نزد قوم یهود افزایش می‌یافت. و آن ملت مغلوب و شکسته به امید پیدایش نجات دهنده‌ای از غیب انواع شداید مظالم قوم غالب را تحمل می‌کردند و اعتقاد جازم داشتند که خداوند قوم برگزیده خود را چنین خوار و زار نخواهد گذاشت.

روان تمرکز داشت.» (هلال، رضا، مسیح یهودی و فرجام جهان، ترجمه قیس زعفرانی، صص ۲۶ و ۲۷).

منجی باوری در دین مسیحیت

ایده انتظار مسیح (ع)

حال ببینیم «ایده انتظار مسیح (ع) از قول «رابرت هیوم» در کتاب «ادیان زنده جهان» چگونه است: «هنگامی که پیامبران عبرانی در قرن ۸ قبل از میلاد، مفهوم متعالی‌تری را از خدا ارائه نمودند، همچنین به تدوین یک برنامه محکم در مورد پیشبرد اهداف الهی همت گماشتند، برنامه‌ای که بعدها بخصوص در زمان آغاز مسیحیت، اهمیت زیادی پیدا کرد. آن پیامبران پیشین با همه دلگرمی و تشویق در مورد درستکاری و عدالت به مردم می‌آموختند که بالاخره حکم الهی جاری گردیده و بنای اعمال ظلم‌بندگان را جاروب و عمدتاً خواهد نمود. به هر جهت آن‌ها چنان اعتمادی به خدا داشتند که علیرغم نافرمانی مردمان، معتقد بودند که بالاخره اهداف عالی خداوندی جامعه عمل پوشیده و عده‌ای را به پشیمانی و توبه خواهد کشید. اشعیای نبی اعلام می‌داشت که برای این دسته باقی مانده از مردم {افراد نادم و تائب} رهبر و منجی‌ای خواهد بود که آن‌ها را به اجرای منویات الهی، با توفیق افزون قادر خواهد نمود. از آن قرن به بعد، پرستندگان با اخلاص یهوه، هرگز امید به آمدن یک رهبر منصوب الهی را از دست ندادند. بعضی از مواقع به این رهبر منتظر به عنوان یک «پادشاه موعود» اشاره می‌شود. بعضی مواقع دیگر به عنوان یک چوپان خوب و موقعی دیگر نیز به عنوان یک بنده مخلص اشاره می‌گردد. این انتظار عظیم در ابتدا به صورت احیای مجدد سیاسی سلطنت واژگون شده بنی اسرائیل بود. بعدها که وجود یک منجی احیاگر، در کنار انتظار به احیاء مورد تأکید قرار گرفت.

مردی از اهل بیت من که مهدی نامیده می‌شود بر مردم حکومت کند.» (علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۵).

«ابوالجحاف»^{***} روایت کرده که پیامبر(ص) سه بار فرمود: «بشارت باد شما را به مهدی. در هنگام پراکندگی مردم و وقوع گرفتاری‌های سخت، ظاهر می‌شود و زمین پر از ظلم و ستم را از عدل و داد پر می‌کند، دل‌های پیروانش را سرشار از عبادت نموده، عدلش همه را فرا می‌گیرد.» (همان، ص ۷۴). در جای دیگر آمده است که پیامبر(ص) فرموده بود: «رستاخیز بر پا نمی‌شود تا قائم بر حق ما قیام کند. هنگامی نهضت می‌کند که خدا اذنش دهد پس هر که از وی پیروی کند، نجات یابد و هر که تخلف نماید هلاک گردد.»

ای بندگان خدا!، خدا را در نظر داشته باشید و هنگامی که مهدی ظاهر گشت به هر طور ممکن شد به سویش بشتابید اگر چه بر روی برف حرکت نمایید زیرا او خلیفه خدا و جانشین من است.» (خُرّ عاملی، محمدبن حسن، اثبات الهداة، ج ۶، ص ۳۸۲).

باید در نظر داشت که اعتقاد به «مهدی» (عج) و ظهور آن موعود مبارک، به واژه «مهدویت» تعبیر می‌شود. باور به انسان کامل و مقدّسی که اداره امور جهان را به دست خواهد گرفت و عدالت ابدی و جاودانی را بر پا خواهد داشت. «مهدی»، واژه‌ای است که در بردارنده صفاتی خاص می‌باشد. او است که ظلم و ستم را از جهان برمی‌کند و شرق و غرب و شمال و جنوب جهان را سرشار از عدل و داد می‌کند. نظریه مهدویت، الگوی مبارزه با ظلم و جور

^{**} از مؤلف مقاله.

^{***} ابوالجحاف: داودبن ابی عوف مکنی به ابوالجحاف، کوفی تابعی

است. دهخدا. علی اکبر، ج ۶ ص ۹۱۵۳.

منجی باوری در اسلام

اعتقاد به منجی و انتظار ظهور او را در ادیان و مسلک‌های مختلف درمباحث پیشین ذکر شد. در اسلام به شکل‌های مختلفی لزوم وجود یک منجی معین که در آخرالزمان به امر خداوند خواهد آمد، تأکید شده است. همه مسلمانان معتقدند که منجی آخرالزمان، نام مبارکش مهدی(عج) است و از نسل پیامبر بزرگوار(ص) است. تنها فرق شیعیان با اهل سنت در آن است که شیعه بر این اعتقاد است که آن امام همام متولد شده و در پس پرده غیبت به امر خداوند به سر می‌برد و زنده است و روزی انشاءالله ظهور خواهد کرد، در صورتی که اهل سنت می‌گویند او هنوز به دنیا نیامده و در آینده به دنیا خواهد آمد و ظهور خواهد کرد، یعنی هردوی آنها در مفهوم مهدی(عج) مشترکند، اما در مصداق آن با هم اختلاف دارند.^{**}

برخی بر این باورند که اعتقاد به ظهور حضرت مهدی(ع) در ابتدای اسلام نبوده و بعدها در نیمه دوم قرن اول هجری میان مسلمانان رواج پیدا کرد. عده‌ای نیز «محمد بن حنفیه»، فرزند امام علی بن ابیطالب(ع) را مهدی نامیده و وقتی که مرد، گفته شد که نمرده است و در کوهی زندگی می‌کند روزی بیرون خواهد آمد و دین اسلام به دست او شکوهمندتر از همیشه می‌شود. عده‌ای دیگر نیز معتقدند که اعتقاد به مهدی(عج) از ابتدای اسلام در میان مسلمانان رواج داشت. می‌گویند که پیامبر اکرم(ص) بارها از وجود مبارک ایشان خبر داد و گاه و بی‌گاه از دولت مهدی(عج) و آثار و علائم و نام و کنیه‌اش سخن می‌گفته است. برخی از این روایات و احادیث مربوطه را با هم می‌کنیم:

«عبداللّه بن مسعود، از پیامبر(ص) روایت کرده که آن حضرت فرمود: «دنیا تمام نخواهد شد تا این که

همه مخلوقات را بر توحید من گرد آورد. آن گاه دولت او را پایدار نموده و دوران حکومتش را تا پایان روزگار بین دوستانم جاودانه می‌سازم.» (بحارالانوار، همان، ج ۵۱، ص ۷۵).

از رسول خدا (ص) در این باره روایات متعددی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. قیامت بر پا نخواهد شد، تا وقتی که قائم حق، از ما قیام کند و آن، وقتی است که خدای عزوجل اذن دهد.

۲. دنیا باقی است تا روزی که مردی از دودمان حسین (ع) قیام کند و زمین را از عدل پر سازد، چنانچه از ظلم و جور پر شده است.

۳. مهدی از ما اهل بیت است.

۴. مهدی از دودمان من است، نامش نام من، کنیه‌اش، کنیه من، شبیه‌ترین فرد از نظر خلق و خلق به من است.

۵. خدای تعالی، زمین را تحت اختیار ذوالقرنین قرار داد و از هر چیز به او عنایتی کرد و حکومت او به مشرق و مغرب رسید. این سنت الهی، در قائم از دودمان من جاری خواهد بود. شرق و غرب عالم در کف با کفایت او قرار خواهد گرفت و هر جایی که به تصرف ذوالقرنین در آمده، به تصرف او در خواهد آمد. خداوند گنج‌های زمین و معادن آن را بر او آشکار خواهد ساخت و به وسیله ترس و رعب در دل دشمنان، او را یاری خواهد کرد تا زمین را از عدل و داد پر سازد، چنانچه از ظلم و جور پر شده است.

۶. بشارت می‌دهم شما را به مهدی که در میان امت من مبعوث خواهد شد، وقتی که مردمانی در تزلزل باشند. زمین را از عدل و داد پر خواهد ساخت چنانچه از ظلم و جور پر شده است. آسمانیان و زمینیان از وجود او خشنود خواهند شد.

و بیداری و برانداختن ستمکاری‌ها از صفحه این جهان است. این نظریه، در ذات و فطرت آدمی نهفته است و در وجود هر کس چنین امیدی وجود دارد و حضرت مهدی، نور این امید می‌باشد.

برخی روایات مربوط به ظهور مهدی موعود(عج) در قرآن و احادیث اسلامی

راجع بشارت ظهور مهدی(عج) از دیدگاه قرآن و روایات و احادیث اسلامی می‌توان گفت: برخی می‌گویند چرا به نام و لفظ حضرت مهدی(عج)، به‌طور مستقیم در کتاب آسمانی قرآن، اشاره‌ای نشده است؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت که: اولاً لازم نیست که هر موضوع صحیحی با تمام ویژگی‌ها و خصوصیات و مشخصات آن در قرآن کریم وارد شده باشد، چه بسیار جزئیات صحیح درستی داریم که آن کتاب آسمانی اصلاً معترضش نشده است و ثانیاً آیاتی چند، در آن کتاب مقدس وجود دارد که اجمالاً روزی را نوید می‌دهد که حق پرستان و حزب خداپرستان و طرفداران دین و مردم شایسته جهان، قدرت و حکومت زمین را قبضه می‌نمایند و دین اسلام بر تمام ادیان غالب می‌گردد. «و لقد کتبنافی الزبور من بعد الذکران الأرض یرثها عبادئ الصالحون (ما بعد از آن که در تورات نوشته بودیم در زبور نوشتیم که بندگان شایسته ما وارث زمین می‌شوند.» (قرآن کریم، انبیاء، آیه ۱۰۵).

علامه مجلسی، در ضمن حدیثی از پیامبر(ص) نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «... و زمین را به وسیله او از دشمنانم پاک می‌سازم، شرق و غرب جهان را به او تملیک می‌نمایم. باده‌ها را به تسخیر او در می‌آورم. ابرهای سخت و ناآرام را برای او رام می‌گردانم. برترین ابزارها را در اختیار او می‌گذارم با سپاه خود او را یاری نموده و با فرشتگانم او را مدد و تقویت می‌نمایم تا دعوت مرا آشکار سازد و

باقی نخواهد ماند. آنان به معروف و نیکوکاری امر می‌کنند و از منکر و زشتکاری نهی می‌کنند و پایان کارها از آن خداست. «و لمن انتصر بعد ظلمه فأوئد لئک ما علیهم من سبیل»^{۱۰}. حضرت امام باقر(ع) فرمود: «او قائم است، هنگامی که قیام کند، بر بنی‌امیه و بر تکذیب‌کنندگان بر ناصبان پیروز خواهد شد.

روزی عده‌ای از مسلمین از رسول خدا (ص) در مورد جانشینان وی پرسیدند. رسول خدا فرمود: خلفا و جانشینان من، پس از من، دوازده نفرند نخستین آن‌ها برادرم و واپسین آن‌ها فرزندم است پرسیدند: برادر شما کیست؟ حضرت فرمود: علی(ع)، پرسیدند: فرزندان کیست؟ حضرت فرمود: مهدی. کسی که زمین را از عدل و داد پر سازد.

سوگند به خداوندی که مرا مبعوث کرده، اگر یک روز از عمر دنیا باقی باشد، خداوند آن روز را آنقدر طولانی می‌کند، تا فرزندم «مهدی» خروج کند. پس روح‌الله عیسی(ع) از آسمان نزول کند و پشت سر مهدی نماز بخواند و زمین به نور الهی، درخشندگی یابد و حکومتش، شرق و غرب را فرا گیرد.» (صدر، سید رضا، همان، صص ۱۱۰ و ۱۱۱).

حضرت حجت(عج) از زبان اهل بیت پیامبر (ص) به شکل اجمالی

حضرت علی(ع) فرمود: «مهدی موعود از ما به

۱۱. قرآن، نحل، ۱.

۱۲. قرآن، انفال، ۵.

۱۳. شعراء، ۲۱.

۱۴. حج، ۴۱.

۱۵. شوری، ۴۱.

۷. بشارت می‌دهم شما را به مهدی، زمین را از عدل و داد پر خواهد ساخت از ظلم و جور پر شده است.

۸. پیامبر(ص) به علی(ع) فرمود: پسر من از ظالمان بر تو و بر شیعه تو در دنیا انتقام خواهد کشید خدا آنان را در جهان دیگر عذاب خواهد کرد. سلمان پرسید: یا رسول الله! او کیست؟ پیامبر(ص) فرمودند: نهمین کسی که از فرزندان پسر من حسین است که پس از غیبتی طولانی، ظهور خواهد کرد.» (صدر، سید رضا، راه مهدی(عج)، به اهتمام باقر خسروشاهی، صص ۱۰۲-۱۰۷).

از دیدگاه قرآن مجید، بشارت ظهور حضرت مهدی(عج) چنین است: «أتی أمر الله فلا تستعجلوه»^{۱۱} این آیه شریفه در حضور امام صادق(ع) تلاوت شد، ایشان فرمود: اشارتی است به قیام قائم. امر، امر ماست و آن قیام قائم آل محمد(ص) است. خداوند به ما امر فرموده است عجله نکنیم. او این بار (مسئولیت) را بر دوش دارد، وقتی که سه‌گونه لشکر برایش آماده شود، ملائکه و فرشتگان، مومنان و رعب. خروج او مانند خروج رسول خدا از مکه خواهد بود و آن کلام خدا است: «کما أخرجک ربک من بیتک بالحق»^{۱۲}.

حضرت امام صادق(ع) فرمود: وقتی که قائم قیام کند، مردم را مخاطب قرارداده و این آیه را تلاوت خواهد کرد: «ففررت منکم لما خفتکم فوهب لی ربی حکماً و جعلنی من المرسلین»^{۱۳}

در سوره «حج»، آیه ۴۱ نیز آمده است: «الذین إن مکنا هم فی الأرض أقاموا الصلوة و أتوا الزکوة»^{۱۴}

حضرت امام باقر(ع) فرمود: این آیه درباره مهدی آل محمد و اصحاب اوست. خداوند، آن‌ها را مالک شرق و غرب زمین قرار می‌دهد و به وسیله مهدی، دین را آشکار می‌سازد و خداوند به وسیله مهدی و اصحابش بدعت‌ها و باطل‌ها را می‌میراند، همچنان که سفیهان، حق را می‌رانند. دیگر اثری از ظلم و جور

جوانان ظاهر می‌شود، به قدری نیرومند و قوی است که اگر به بزرگترین درخت روی دست دراز کند آن را از ریشه می‌کند و اگر در میان کوه‌ها فریاد زند سنگ‌های سخت آن‌ها متلاشی می‌گردند. خدا تا هر وقت بخواهد، او را از دیده‌ها غائب نگه می‌دارد، بعد آن را ظاهرش می‌نماید و زمین را به توسط او از عدل و داد پر می‌کند چنانچه از ستم و ظلم پر شده است. امام محمد تقی (ع) فرمود: قائم ما، همان مهدی موعود است که در زمان غیبت باید در انتظارش بود و در زمان ظهور باید اطاعتش نمود. خداوند متعال، کارش را شبی اصلاح می‌نماید چنان که امر کلیم خود موسی را در شبی اصلاح فرمود، موسی رفت تا برای همسرش آتش بیاورد اما با منصب پیغمبر و رسالت برگشت، سپس فرمود: انتظار فرج، بهترین عمل شیعیان ماست. امام علی نقی (ع) فرمود: بعد از من فرزندانم حسن امام است و بعد از حسن، فرزندش همان قائمی که عدل و دادش، تمام زمین را فرا گیرد. امام حسن عسکری (ع) فرمود: هر کس آخرین فرد ما را منکر شود (امام دوازدهم) مانند کسی است که اولین امام را انکار نموده باشد. بدانید که غیبت فرزندانم به قدری طولانی می‌شود که مردم شک می‌کنند مگر افرادی که خدا ایمانشان را نگهداری کند. (امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، صص ۵۵-۵۹).

سخن پایانی

می‌دانیم که در دوره معاصر، اوضاع دنیا و آدمیان، پر اضطراب و آشفته می‌باشد و از طرفی ما شاهد دو جنگ جهانی {اول و دوم} بوده‌ایم. پس از آن نیز جنگ سرد و مسابقات تسلیحاتی میان شرق و غرب و بحران‌های سلاح‌های کشتار جمعی و هسته‌ای و اتمی، روح آدمیان را خسته و فرسوده کرده است. آغاز هزاره جدید و بحران‌ها و تنش‌های گسترده ناشی از

بشارت ظهور وجود خواهد آمد و در آخرالزمان ظهور می‌کند در بین هیچ ملتی، مهدی منتظر جز او وجود ندارد.

حضرت فاطمه (س) به امام حسین فرمود: هنگامی که تو را بزادم، رسول خدا بر من وارد شد، - تو را در بغل گرفت -، سپس فرمود: ای فاطمه! حسین‌ات را بگیر و بدان که او پدر ۹ امام است و از نسل او، امام‌های صالحی به وجود خواهند آمد که نهمین آنان، «قائم» است. امام حسن (ع) فرمود: امام‌های بعد از رسول خدا، ۱۲ نفرند. ۹ نفرشان، از نسل برادرم حسین به وجود می‌آیند و مهدی این امت از ایشان است. امام حسین (ع) فرمود: دوازده امام از ما هستند، علی بن ابی‌طالب، اول آنان و آخرشان، نهمین فرزند من و قائم به حق می‌باشد. خدا به برکت وجود وی، زمین مرده را زنده و آباد می‌کند و دین حق را بر تمام ادیان پیروز می‌گرداند. اگر چه مشرکان کراهت داشته باشند. مهدی (عج)، مدتی از نظرها غائب می‌گردد. در زمان غیبت گروهی از دین خارج می‌شوند اما گروهی دیگر ثابت قدم خواهند ماند و از این راه اذیت‌ها خواهند دید. از باب سرزنش به آنان گفته می‌شود: اگر عقیده شما صحیح است، پس امام موعود شما کی نهضت می‌کند؟ ولی بدانید که هر کس در ایام غیبت، آزار و تکذیب دشمنان را تحمل کند مانند کسی است که در کنار رسول خدا با شمشیر جنگیده است..

امام رضا (ع) فرمود: پنجمین فرزند امام هفتم (موسی بن جعفر) مهدی است، اما خودش غائب می‌شود و نام بردنش برایتان جایز نیست. امام موسی - بن جعفر (ع) فرمود: آن قائمی که زمین را از وجود دشمنان خدا پاک می‌نماید و از عدل و داد پر می‌کند، پنجمین فرزند من است. امام رضا (ع) فرمود: قائم موعود کسی است که در سن پیران ولی به صورت

برای علاج بحران‌های خطرناک جهانی چاره‌ساز است. تأمین سعادت بشری از طریق تمسک به وحی و سرچشمه‌های الهی قابل تعین است. آنان، دوران درخشان و مطلوبی را پیش‌بینی می‌کنند که آدمی به حد کمال رسیده زمام امور جهان به دست امام معصومی می‌افتد که از هرگونه گناه و خطا و غرض‌ورزی، مصون می‌باشد. به طور کلی، شیعیان، از نعمت بزرگ «امیدواری» به آینده جهان برخوردارند و در همین زمانه تاریک، عصر درخشان حکومت الهی، توحیدی را تجسم کرده و در انتظارش به سر می‌برند و خودشان را برای چنین انقلاب جهانی آماده می‌سازند از سوی دیگر می‌توان اضافه کرد که: در اکثر ادیان، چه متعالی و توحیدی و چه ابتدایی، باورمندی به یک مصلح منجی در آخرالزمان، که می‌آید و دنیا را از عدل و داد پر می‌سازد -، وجود دارد. می‌توان گفت که هیچ دینی به اندازه اسلام، درباره امور اجتماعی و ترقی و توسعه و عظمت ملت، سفارش و توصیه نکرده است. اسلام، مبارزه با فساد و ظلم و جور و فقر و بیداد و تبعیض را از هم وظایف مسلمین قرارداده است.

در قرآن مجید آمده است: «گروهی از شما باید همیشه آماده باشند و مردم را به سوی خوبی دعوت نمایند و به کارهای نیک وادارکنند و از افعال زشت باز دارند، چنین افرادی سعادت‌مند می‌گردند.» (آل عمران، ۱۰۴).

پیامبر اسلام (ص) همیشه سعی در اصلاح امور مسلمین را داشته و آن را از علائم مسلمین به حساب می‌آوردند. قرآن، درباره مبارزه با جور و ظلم دشمنان، آنان را به مسلح شدن و تجهیز در برابر دشمنان توصیه می‌کند! «ای مسلمین، تا سرحد قدرت بکوشید و خودتان را در برابر دشمنان مسلح سازید و برای تهدید آنان، نیروی جنگی خویش را تقویت کنید.» (انفال، ۶۰).

امپریالیسم سرمایه‌داری جهانی در اقصی نقاط جهان و بن‌بست‌های ناشی از ناکارآمدی انواع ایدئولوژی‌های سیاسی - اجتماعی غرب در حلّ و فصل مشکلات بزرگ آدمی در جهان معاصر، همه و همه، زمینه مراجعه به آثاری را فراهم آورده است که با اتکاء به دریافت‌های قدّیسان، پیشگویان و آینده‌نگران در عرصه، تصویری از آینده جهان و سرنوشت آدمی دارند. تمامی این‌ها، پیش درآمد توجه انسان معاصر به آخرالزمان و علائم و نشانه‌های آن نگاهی امیدوارانه به یک منجی و مصلح جهانی را فراهم می‌آورد چرا که در اکثر ادیان و روایات مذهبی مختلف ملل دنیا از ظهور مصلح و منجی در پایان جهان سخن به میان آمده است. در ادامه باید گفت که رشد بی‌رویه امپریالیسم سرمایه‌داری و غارت و چپاول ملل در حال توسعه نیافته جهان سوم کشورهای عقب مانده نگه داشته شده و غیره، باعث محرومیت فراوان طبقه ضعیف و گرسنگان دنیا و توسعه فقر و فساد و بیکاری و تبعیض از یک سو و غارتگری متمولان جهانی و فربه‌تر شدن آنان از سوی دیگر باعث تنزّل معنویت و اخلاق و انسانیت و بی‌انگیزه‌گی نسبت به امور دینی و معنوی و افراط در مادی‌گری و غرق شدن در مظاهر مادی فسادانگیز و شهوت‌گرایی شده است.

برخی روشنفکران و کسانی که دغدغه سلامت بشریت را دارند، برای حلّ و فصل برخی بحران‌ها و مشکلات جهانی بر آمده از دلایل فوق‌الذکر، تلاش می‌نمایند و بدین منظور هر چه بیشتر کوشش می‌کنند، مایوس‌تر برمی‌گردند. اما در جهان‌باوری مکتب شیعیان، ناامیدی و یأس، جایگاهی ندارد. آنان احکام و قوانین بشری را برای اداره و اصلاح جهان کافی نمی‌دانند و براین باورند که قوانین و دستورات جامع و متین اسلام که از سر چشمه وحی نشأت گرفته‌اند،

انکلسریا، ب. ت.، (۱۳۶۶)، *گزیده های زاد اسپرم*، ترجمه محمدتقی راشد محصل، مطالعات فرهنگی؛

ایوانس، ورونیکا، (۱۳۷۳)، *اساطیر هند*، ترجمه باجلان فرخی، انتشارات اساطیر، تهران؛

بهار، مهرداد، (۱۳۷۶)، *پژوهشی در اساطیر ایران*، انتشارات آگاه، تهران؛

پیچ، ر. ی، (۱۳۷۷)، *اسطوره های اسکاندیناوی*، ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز، تهران؛

دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، *لغت نامه ج ۱۳*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران؛

راشد محصل، محمد تقی، (۱۳۶۹)، *نجات بخشی در ادیان*، مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران؛

رضایی، عبدالعظیم، (۱۳۷۴)، *اصل و نسب ودین های ایرانیان باستان*، انتشارات مروی، تهران؛

رضایی، مهدی، (۱۳۸۳)، *آفرینش و مرگ در اساطیر*، انتشارات اساطیر، تهران؛

روزنبرگ، دونا، (۱۳۷۵)، *اسطوره های خاور دور*، ترجمه مجتبی عبدالله نژاد، انتشارات ترانه، تهران؛

همو (۱۳۷۹)، *اساطیر جهان*، جلد اول و دوم، ترجمه عبدالحسین شرفیان، انتشارات اساطیر، تهران؛

صدر، سیدرضا، (۱۳۷۳)، *راه مهدی (عج)*، به اهتمام باقر خسروشاهی، نشر فرهنگ اسلامی، تهران؛

عهد جدید و عهد قدیم (کتاب مقدس)، (بی تا)، به همت انجمن پخش کتب مقدسه، در سازمان ملل به چاپ رسید (ممهور به مهر شورای خلیفه گری تهران)، تهران؛

فره وشی، بهرام، (۱۳۶۴)، *جهان فروری*، انتشارات کاویان، تهران؛

قرآن کریم، (۱۳۷۲)، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، انتشارات ایران، تهران؛

کریستون، جولوس، (۱۳۷۷)، *انتظار مسیحا در آیین یهود*، ترجمه حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم؛

کورانی، علی، (۱۳۸۲)، *عصر ظهور*، ترجمه عباس جلالی، شرکت نشر

بین الملل، تهران؛ مجلسی،

جهان غرب، به کمک مراکز اطلاعاتی، مطالعاتی، و تحقیقات استراتژیکی خود، همه آنچه را که درباره آینده جهان و جهان آینده بیان شده، گردآوری و بررسی کرده است و حسب خوی ذاتی خود (استکبارورزی) نیز سر در پی ترسیم نقشه ای برای «آینده جهان» گذارده است چیزی که از آن به عنوان «نظم نوین جهانی» یاد می شود. در این مراکز، بی گمان آثاری که محصول خلوت، مکاشفه، اخبار و روایات و حتی ریاضت راهبان و قدیسان عالی مقام اند نیز از نظر دور داشته نشده است. نباید از یاد برد که سیاستمداران امروز دو کشور مدعی یعنی آمریکا و انگلیس، عموماً هم پا با سازمان های جهانی، مجری طرح ها و خواست سرمایه داران یهودی و محافل صهیونیستی هستند و بی گمان سعی در انحراف افکار جهانیان، خصوصاً مسلمانان نسبت به ظهور حضرت مهدی (عج) کرده و می کنند. «علی کورانی»، محقق مباحث مهدویت در کتاب «عصر ظهور» می گوید: «..... بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نشانه های اعتقاد به حضرت ولی عصر (عج) در میان ملل جهان اسلام و حتی غیر اسلام به اوج خود رسید تا جایی که این لطیفه شایع شده که وزارت اطلاعات آمریکا، پرونده ای از تمام اطلاعات لازم درباره امام مهدی (عج) تهیه و تنظیم کرده که تنها نقص آن، تصویر آن حضرت است.» (کورانی، علی، عصر ظهور، ص ۱۷).

منابع

- ابراهیم، علی رضا، (۱۳۸۱) *مهدویت در اسلام و دین زرتشت*، مرکز بازشناسی اسلام ایران، تهران؛
- الیاده، میرچا، (۱۳۶۲)، *چشم اندازهای اسطوره*، ترجمه جلال ستاری، انتشارات توس، تهران؛
- امینی، ابراهیم، (۱۳۵۲)، *داد گستر جهان*، انتشارات دارالفکر، قم؛

هلال، رضا، (۱۳۸۴)، ترجمه قیس زعفرانی، انتشارات موعود، تهران؛
هیوم، رابرت، (۱۳۶۹)، *ادیان زنانه جهان*، ترجمه عبدالرحیم گواهی،
دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران؛
یاحقی، محمدجعفر، (۱۳۷۵)، *فرهنگ اساطیر و ادبیات داستانی*، انتشارات
س-----■.

محمد باقر، (۱۴۰۳ ه. ق.)، *بحار الانوار*، ج ۵۱، دارالاحیاء التراث العربی،
بیروت؛
مفید، محمدین نعمان، (۱۳۶۱)، *فصول العشره فی الغیبه*، ترجمه
محمدباقر خالصی، انتشارات راه امام، تهران؛
مقدم، محمد، (۱۳۸۰)، *جستار درباره مهر و ناهید*، انتشارات هیرمند،
تهران؛
ناس، جان بایر، (۱۳۷۷)، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت،
انتشارات علمی و فرهنگی، تهران؛